



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه پیام حج | شماره اول، محرم ۱۴۴۲ هـ ق | شهریور ۱۳۹۹ هـ. ش
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت فرهنگی



هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده به عاشورا و به حسین بن علی علیه السلام است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۹/۱)

در پیام مرجع عالی قدر آیت الله العظمی نوری همدانی به ویژه برنامه «در مدرسه عاشورا» عنوان شد:

ضرورت تبیین سخنان امام حسین علیه السلام خصوصاً از حرکت مدینه به سمت کربلا و تا عصر عاشورا

صفحه ۲



بایدها، آسیب‌های عزاداری و اهداف قیام عاشورا
سخنان حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی در نخستین ویژه برنامه «در مدرسه عاشورا»
۲ شنیدن فایل صوتی این سخنان

یادبود خادمان ضیوف الرحمان



خاطراتی از سفر حج سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی
۷



آیا زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر از حج است؟
بخش‌هایی از سخنرانی امام موسی صدر رحمته الله
۴



عاشورا منظومه و مجموعه تجلی همه اسلام
سخنان آیت الله علیرضا اعرافی، رئیس حوزه‌های علمیه و عضو مجلس خبرگان رهبری در نخستین ویژه برنامه «در مدرسه عاشورا»
۲



سیری در سیره و تاریخ حج‌گزاری امام حسین علیه السلام
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید احمدی رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین
۳

۶ معرفی خطبه امام حسین علیه السلام در سرزمین منا

۸ روایتی از طواف و اطعام امام حسین علیه السلام

۵ فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام

۷ احادیثی از امام حسین علیه السلام

۸ معرفی کتاب با موضوع امام حسین علیه السلام

۵ جلوه حج در اشعار عاشورایی

... وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ
ماه عظیم‌القدر ذی‌الحجه سپری شد و در روزهایی که به سبب بلایی همه‌گیر، بسیاری از مسلمانان مشتاق، از نعمت حج بازماندند، وارد ماه محرم شده‌ایم. همانگونه که ماه محرم به ذی‌الحجه پیوسته است، عاشورا نیز با عرفه پیوندی ناگسستنی دارد و سرور و سالار شهیدان با کعبه و خدای کعبه. این پیوند عمیق، همواره در گستره تاریخ حتی در آیین‌ها و اشعار عاشورایی به خوبی درک و منعکس شده و در مرثی سیدالشهدا علیه السلام همواره از کلیدواژه‌های فرهنگ حج استفاده شده است و چرا چنین نباشد، در حالی که بر مبنای منطق والای قرآن کریم، دعوت حج، در حقیقت دعوت به سوی امام معصوم و بر مبنای فرهنگی روایی شیعه، تمام حج، لقاء امام است.
اولین شماره از نشریه «پیام حج» تقدیم می‌شود به همه محبان و پیروان سید و سرو شهیدان علیهم السلام به ویژه به روح پرفروش سردار شهید اسلام، حاج قاسم سلیمانی؛ شهیدی که به معنای حقیقی کلمه پیشوند «حاجی» برانده‌اش بوده است.

در ویژه‌برنامه «در مدرسه عاشورا» که مصادف با شب اول محرم در بستر فضای مجازی برگزار گردید، حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی ضمن بزرگداشت و یاد خادمان ضیوف الرحمن اعم از روحانیون حج تمتع و عتبات و ذاکران اهل بیت علیهم السلام که اخیراً به دیار باقی شتافتند به برخی از ویژگی‌های خاص شخصیت آن بزرگواران اشاره کردند. نشریه «پیام حج» نیز ضمن یاد و بزرگداشت آن عزیزان، علو درجات را از خداوند متعال برای ارواح مطهر آن خادمان ضیوف الرحمان، که سالیان متمادی منشأ خدمات بابرکتی برای زوار بودند مسئلت دارد. علو درجات و هم‌جواری با سیدالشهدا علیه السلام را از خداوند متعال مسئلت داریم برای مرحومین حجج الاسلام و المسلمین سید باقر حسینی آغوی، سید علی اصغر مظلومان، سید محمدحسین طباطبایی شیرازی، سیدمحمدجواد رئوف سیدنژاد، سید عقیل محمدپور زرومی، سیدمصطفی محسن نیا، سیدعلاءالدین موسوی، سیداحمد طباطبایی، سیدعباس موسویان، سیدمحمود باقری فهرجی، احمد شکوهی، عبدالرسول مجاهد، علیرضا صفایی حائری، رجب‌علی عباسقلی پورارمی، مسعود رزمجو، ابوالحسن ملکی، محمد تبادکانی، اکبر رنگبها، محمدرضا شرعی نژاد، صاحب سواری، ولی‌اله فرجی، جمال دهقانی فیروزآبادی.



در پیام مرجع عالی قدر آیت الله العظمی نوری همدانی به ویژه برنامه «در مدرسه عاشورا» عنوان شد:

ضرورت تبیین سخنان امام حسین علیه السلام خصوصاً از حرکت مدینه به سمت کربلا و تا عصر عاشورا

در نخستین جلسه از سلسله برنامه‌های «در مدرسه عاشورا» که با اهتمام بعثه مقام معظم رهبری علیه و مصادف با شب اول محرم سال ۱۴۴۲ و با استفاده از بستر فضای مجازی برگزار گردید، پیام مرجع عالی قدر آیت الله العظمی نوری همدانی بدین شرح قرائت گردید.

سم الله الرحمن الرحیم
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَث وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَاجَلَةَ اللَّهِ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

با سلام و تحیت و تسلیت ایام شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام، محرم فصل جدید زندگی بشریت است و عاشورا و حوادث آن کتاب زندگی و چراغ فروزان هدایت می‌باشد. بدون شک هر انسان آزاده که وارد مکتب عظیم سیدالشهدا علیه السلام شود، سعادت و آزادگی، عزت و شجاعت، برادری و

برابری، انصاف و عدالت و صدها صفت الهی انسانی برایش ترسیم می‌گردد. جریان عاشورا علاوه بر جنبه احساسی و عاطفی مقدسی که دارد تمام جنبه‌های عقلانی است این حرکت برای همیشه بشریت پیام آور ظلم ستیزی و عدم سازش با ظلم است. امام حسین علیه السلام که در مکتب او همه برابرند سیاه و سفید، عرب و عجم یکسانند و به حکم قرآن تقوا ملاک برتری است. امروز وظیفه همه مبلغان و اهل منبر و مداحان و کسانی که در برپایی خیمه امام حسین علیه السلام موثرند، بدانند وظیفه اول آنها در کنار عزاداری معرفی افکار و اهداف آن امام عزیز است.

تبیین سخنان امام حسین علیه السلام خصوصاً از حرکت مدینه به سمت کربلا و تا عصر عاشورا یکی از مهمترین کارها است که آن حضرت در طی این مسیر با تمام صحنه‌های متفاوت

که پیش آمد چگونه مواجه شد و چه بیانات حکمت‌آمیز و درس‌آموزی بیان نمود. امسال در این شرایط پیش آمده و جریان بیماری کرونا وظیفه مسئولان و مبلغان در فضای مجازی بیشتر شد و باید همگان در این موضوع فعالیت بیشتری داشته باشیم و در انتقال معارف عظیم عاشورا کوشا بکشیم خصوصاً شناسایی شبهات که این روزها دشمنان چه در حالت دوستانه و چه از ناحیه دشمن در حال بمباران هستند، پاسخ‌های دقیق و مستدل داده شود.

در پایان لازم می‌دانم از همه سروران عزیز به ویژه بعثه مقام معظم رهبری تشکر کنم. از خداوند عالم عاجزانه تقاضا می‌کنم نام ما را جزء ارادتمندان و نوکران حضرت سیدالشهدا قرار دهد.

برای دیدن فیلم کامل این برنامه کلیک کنید

در نخستین جلسه از سلسله برنامه‌های «در مدرسه عاشورا» توسط نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت مطرح شد:

بایدها، آسیب‌های عزاداری و اهداف قیام عاشورا



در اولین جلسه از سلسله برنامه‌های «در مدرسه عاشورا» حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در سخنانی به بیان بایدها و آسیب‌های عزاداری و نیز برخی فلسفه‌های قیام عاشورا پرداختند. سرپرست حجاج ایرانی، امام‌شناسی، توجه به روح پرشگری جوانان و نگاه برون‌رفت از مشکلات روز جامعه با توجه به قیام عاشورا را از بایسته‌های عزاداری سیدالشهدا علیه السلام نام بردند و در همین زمینه، مطالعه و دقت در دعای عرفه را به عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای معرفت و شناخت امام حسین علیه السلام بیان کردند. حجت‌الاسلام والمسلمین نواب، فاصله گرفتن از اهداف قیام امام حسین علیه السلام، ظاهرسازی عزاداری به جای

سازنده بودن آن، پرداختن به مقتلهای غیر مستند، حاشیه‌سازی در سبک و اجرا و مادی شدن عزاداری را از آسیب‌های آن برشمردند. نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت در این برنامه ضمن تأکید بر لزوم توجه به فلسفه قیام اباعبدالله علیه السلام، کسب رضای خداوند، خشیت الهی، احیای آموزه‌های دین، مبارزه با بدعت‌ها، احیای حق و ابطال باطل، امر به معروف و نهی از منکر و حاکم‌سازی دین در جامعه را به عنوان برخی از فلسفه‌های قیام سالار شهیدان بیان کردند. در این برنامه سرپرست حجاج ایرانی ضمن بزرگداشت و یاد از خادمان ضیوف الرحمن که اخیراً به دیار باقی شتافتند به برخی از ویژگی‌های خاص شخصیت آن بزرگواران اشاره کرد.

شنیدن فایل صوتی این سخنان

آیت الله اعرافی، رئیس حوزه‌های علمیه و عضو مجلس خبرگان رهبری:

عاشورا منظومه و مجموعه‌ای است که همه اسلام در آن تجلی کرده است



کمتر سراغ داریم که در یک داستانی که به یک معنا یک روزه اتفاق افتاد، همه اسلام در آن تجلی پیدا کند. عاشورا یک تابلوی هنری انسانی و جذاب است که همه قرآن، دین و ارزش‌های انسانی، دینی، فکری و اخلاقی در آن تجلی پیدا کرده و حاوی همه ارزش‌های الهی است.

در نخستین جلسه از سلسله برنامه‌های «در مدرسه عاشورا» که در تاریخ ۹۹/۵/۳۰ با استفاده از ظرفیت فضای مجازی برگزار گردید، آیت الله علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه و عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه عاشورا در میان سلسله حوادث و وقایع که در صدر اسلام و پس از آن رخ داده، اتفاقی بزرگ و کم‌نظیر است، افزود: عاشورا در تاریخ توحید و تاریخ انبیا و تاریخ بشری یک نکین درخشان است که مانند آن کمتر اتفاق افتاده است. مدیر حوزه‌های علمیه به رازها و ویژگی‌ها ماندگاری حادثه تاریخی عاشورا اشاره کرد و یادآور شد: ویژگی‌های زیادی در این حادثه تاریخی وجود دارد که این حرکت عظیم را ماندگار کرده تا در گذر زمان محو نشود. البته با وجود همه تلاش‌های که از سوی دشمنان انجام شد، خوشبختانه این چراغ و مشعل فروزان مانده و همچنان برافراشته است و هر روز بر عظمت آن افزوده خواهد شد. وی با اشاره به تلاش یزید برای کم‌رنگ کردن نهضت عاشورا تأکید کرد: یزید در آن مقطع کوشش کرد تا عاشورا در درون خودش محصور بماند و پیام آن به بیرون منعکس نشود، پس از آن نیز در طول تاریخ

علیه خاندان اهل بیت علیه السلام دسیسه‌های زیاد به کار برد تا عاشورا محو شود، اما این اتفاق رخ نداد، تا جایی که مدت‌ها قبر امام حسین علیه السلام پنهان ماند و مدتی هم زیارت مرقد مطهر آن حضرت ممنوع اعلام شد، اما این چراغ همچنان پرفروغ باقی مانده است.

عضو فقهای شورای نگهبان با بیان اینکه پیام عاشورا و شعار و حماسه عاشورا در همه نقاط عالم رونق پیدا کرده است، ادامه داد: امروز عاشورا، برفراز عصرها و نسل‌ها قرار گرفته و از عصرها و نسل‌ها عبور کرده و همواره بر عظمت و شکوه آن افزوده شده، به خصوص در دهه‌ها یاخیر و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی که برگرفته از پیام عاشورا است، در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، پرچم عاشورا برافراشته شده است. وی به برخی از ویژگی‌ها و رازهای ماندگاری حادثه تاریخی عاشورا اشاره کرد و گفت: عاشورا اوج اخلاص است، زیرا یکی از مهم‌ترین مسائلی که اعمال بشر را عمق می‌بخشد و به آن خلوص می‌دهد و ماندگار می‌کند، اخلاص و انگیزه پاک و بی‌شائبه است، این اخلاص کار انسانی را در دنیا ابدی و موج آن را به سمت آخرت می‌برد به همین جهت در عاشورا اوج اخلاص را شاهد

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تصریح کرد: در عاشورا به قدری شرایط سخت بود که تنها انسان‌های مخلص می‌توانستند در کنار سیدالشهدا علیه السلام قرار بگیرند، در این واقعه هر چه ناخالصی وجود داشت، بیرون ریخته شد و این سیاه کوچک به عظمت تاریخ پیوست و هیچ ناخالصی در آن وجود نداشت. زیرا دل‌کندن از هوای نفس، کارها را جذاب و زیبا می‌کند و اخلاص در کار باعث معجزه می‌شود. وی یادآور شد: عاشورا منظومه و مجموعه‌ای است که همه اسلام در آن تجلی کرده، زیرا جنگ بدر، احد و نهضت‌های مختلفی در تاریخ وجود داشتند و فعالیت‌های بسیار ارزنده‌ای را در تاریخ شاهد بودیم؛ اما کمتر سراغ داریم که در یک داستانی که به یک معنا یک روزه اتفاق افتاد، همه اسلام در آن تجلی پیدا کند. عضو خبرگان رهبری گفت: عاشورا یک تابلوی هنری انسانی و جذاب است که همه قرآن، دین و ارزش‌های انسانی، دینی، فکری و اخلاقی در آن تجلی پیدا کرده و حاوی همه ارزش‌های الهی است. حداقل ۱۰۰ پیام دین در عاشورا تجلی یافته است.

باز حج پیش از انقلاب

علاءالدین

باز این پوچ و پوچ ما نیست

علاءالدین

باز حج پیش از انقلاب

علاءالدین

نی صبح حواشیل عمرا

پیام حج

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید احمدی
رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین

سیری در سیره و تاریخ حج‌گزاری امام حسین علیه السلام

اهمیت حج در اسلام به دلیل جامعیت آن همواره مورد توجه و اهتمام ائمه هدی علیهم‌السلام بوده است و حج از منظر اهل بیت عصمت و طهارت فرصتی برای معرفی مکتب و اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از دیگر سو به عنوان سیر و سلوک مؤمنان و نردبان قرب الهی، راهی اطمینان بخش برای عروج الی‌الله بوده است. این خصوصیت و ده‌ها ویژگی دیگر حج که از آن به سان اسلام یا به سان قرآن و یکی از ارکان اسلام و پرچم برافراشته دین یاد شده است، سبب شده است که این عبادت فاخر و بی‌بدیل مورد عنایت و در کانون توجه ایشان قرارگیرد. و امامانی که فرصت حضور داشتند به کرات و دفعات در مراسم حج حضور یافتند و حج به‌جا آوردند. از جمله حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه‌السلام، سومین امام شیعیان است. چنانچه نقل شده است چند بار همراه پدر ارجمندشان امام علی علیه‌السلام و برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه‌السلام و جمعی دیگر از نزدیکان در مراسم حج شرکت کردند. در برخی متون آمده است که امام حسین علیه‌السلام ۲۵ حج به جای آوردند.

ابوبکر انصاری با سند خود از عبدالله بن عبید نقل می‌کند که گفت: «حسین بن علی علیه‌السلام بیست و پنج بار پیاده حج نمود در حالی که اسبان او را همراهش می‌کشیدند.»

تضرع و فروتنی در حج

حضور خاشعانه و سیره معنوی حضرت در حج، سلوک ارزشمندی از سیره صحیح حج‌گزاری را به نمایش کشید. نیایش امام همراه با تضرع و خشوع و خشوع مثال‌زدنی آن امام در عرفات در روز نهم ذی‌حجه نمونه بارز از این سلوک معنوی و الهی آن حضرت بود که امروز میراث جاوید و ارزشمندی به نام دعای عرفه و شیوه نیایش آن حضرت که در منابع معتبر آمده است برای امت اسلام به یادگار مانده است. در یکی از گزارش‌ها آمده است که امام حسین علیه‌السلام در کمال فروتنی در پیشگاه خدای عزوجل رهسپار خانه خدا می‌شد تا با خشوع و خشوع تمام، مناسک حج را به‌جای آورد.^۱

دیده شد که امام حسین علیه‌السلام خانه خدا را طواف می‌کرد، سپس به مقام ابراهیم رفت و نماز گزارد. سپس گونه خود را بر مقام نهاد و شروع به گریه کرد و می‌فرمود: «عبیدک بباک، خویدمک بباک، سائلک بباک، مسکینک بباک؛ خدایا بنده ناچیز تو به درخانات پناه آورده، خدمت‌گزار کوچک تو به درخانات پناه آورده، خواهان تو درخانات پناه آورده، نیازمند تو به درخانات پناه آورده.»

این فرازها را پیوسته تکرار می‌فرمود، سپس برگشت و در بین راه به نیازمندی گذر کرد که پاره نانی را می‌خورند به آنان سلام گفت: حضرت را به غذای خود دعوت کردند حضرت با آنان نشست و فرمود: «اگر صدقه نبود با شما می‌خوردم، سپس فرمود که به هر یک مقداری پول

بدهند.^۲

همچنین ابراهیم رافعی از پدر خود از جد خود نقل می‌کند که گفت: «حسن و حسین را دیدم که پیاده به حج می‌روند، سپس بر هیچ سواره‌ای نگذشتند مگر آنکه او نیز پایین آمده پیاده راه می‌رفت.»^۳

برخی از سلوک امام حسین علیه‌السلام در حج

از سیره حج‌گزاری آن حضرت نقل شده است که در سفر حج به راهنمایی مردم برای انجام اعمال و مناسک حج می‌پرداخت تا حج آنان مطابق شریعت اسلامی اقامه شود.^۴ عمار بن معاویه از ابوسعید نقل کرده که گفت: «حسن و حسین علیه‌السلام را دیدم که با امام به جماعت نماز عصر را خواندند. سپس نزد حجرالاسود آمده آن را استلام کردند و سپس هفت بار طواف کردند و دو رکعت نماز خواندند.»^۵ روایت شده که امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام بعد از نماز عصر، طواف خانه خدا نمودند و ایستاده از آب زمزم نوشیدند.^۶

اسحاق بن عمار از حضرت ابوالحسن علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: «مردم (اهل سنت) را ندیدم که از حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام جز نماز در طواف واجب بعد از نماز عصر و بعد از نماز صبح فرا گرفته باشند.»^۷

آخرین حضور حضرت در مکه مکرمه و انجام عمره

امام حسین علیه‌السلام که در سال ۴۹ هجری بعد از شهادت امام مجتبی علیه‌السلام امامت شیعیان را عهده‌دار شدند. در عهد معاویه بر صلح امام مجتبی با معاویه متعهد ماندند و اگرچه به برخی اعمال و رفتار ظالمانه معاویه نسبت به پیروان و محبان حضرت امیر علیه‌السلام اعتراض کردند، اما همه درخواست‌ها به قیام علیه معاویه را رد کردند. معاویه برخلاف تعهدی که در صلح با امام مجتبی علیه‌السلام داده بود، یزید فرزند فاسق خود را با حيله و تزویر به عنوان جانشین خود تعیین کرد. امام حسین علیه‌السلام در مقابل این ظلم و حاکمیت فردی فاسق و بی‌اعتقاد ایستاد که با فشار حکومت مواجه و ناگزیر همراه خانواده مدینه را ترک و به مکه سفر کردند و در این شهر از سوم ماه شعبان تا هشتم ذی‌الحجه اقامت گزید. هنگامی که امام در مکه در معرض بازداشت و ترور مأموران اموی قرار گرفت تصمیم گرفت مکه را به سمت عراق ترک کند. چنانچه ابومخنف می‌نویسد: «حسین خانه خدا را طواف کرد و سعی بین صفا و مروه را انجام داد و مویش را کوتاه کرد و از احرام عمره خارج شد.» مرحوم شیخ مفید رحمته‌الله‌علیه می‌گوید: وقتی امام حسین علیه‌السلام خواست به سوی عراق روانه شود، طواف کعبه کرد و سعی بین صفا و مروه را انجام داد و از احرامش خارج شد و آن را عمره قرار داد، چون قادر به انجام حج کامل نبود. زیرا می‌ترسید دستگیر و به نزد یزید فرستاده شود. لذا عمره به جا آورد و همراه اعضای خاندان، فرزندان و شیعیان که به

او پیوسته بودند از مکه خارج شد.^۸

امام حسین علیه‌السلام در معرض تهدید سخت قرارداداشت و نقشه کشتن و ترور امام را حکومت به مأموران داده بود، امام نه از ترس کشته شدن، بلکه نگران کشته شدنی بود که ثمره و بهره‌ای برای مقابله با ظلم و رسوایی حکومت ستمگر و فاسق و هدایت جامعه و نجات مردم نداشته باشد. این نوع کشته شدن مورد نظر امام نبود. لذا باید در یک مصاف علنی و آشکار و بیان روشن مقصد و آرمان‌ها به لقای حق بشتابد تا برای همیشه یک مدرسه بزرگ برای بشریت رهایی بخش و شهادت عزتمندانه بماند.

تهدیدات نسبت به جان امام علیه‌السلام از سوی حکومت اموی جدی بود چنانچه بعدها عبدالله ابن عباس در نامه‌ای که در جواب یزید نوشت از این حقیقت پرده برداشت. او در این نامه خطاب به یزید می‌نویسد: «من فراموش نمی‌کنم که چگونه حسین را از حرم رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حرم خدا راندم و اینکه به مأمورانت دستور دادم تا او را به قتل برسانند.»^۹ اما در خصوص اینکه امام حسین علیه‌السلام حج را ناتمام گذاشت و آن را تبدیل به عمره کرد و از احرام خارج و رهسپار عراق شد با شواهد و دلایل دیگری که در دست داریم سازگار نیست. شواهدی که بیانگر آن است که امام علیه‌السلام از ابتدا با احرام عمره مفرده وارد مکه شدند و با انجام اعمال عمره مفرده در ماه ذی‌حجه بدون تبدیل نیت از مکه خارج شدند. از جمله شواهد این امر دو روایت صحیح است که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده و در این دو روایت عمل امام حسین علیه‌السلام به عنوان سنت مورد استناد قرارگرفته است.^{۱۰} حضرت در خصوص جواز محرم شدن به احرام عمره مفرده در ماه ذی‌حجه فرمودند: «حسین بن علی علیه‌السلام روز ترویبه به جانب عراق رفت در حالی‌که به عمره مفرده محرم شده بود»^{۱۱}

در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال یکی از اصحاب در فرق بین عمره تمتع و عمره مفرده فرمودند: «عمره تمتع با حج مرتبط است، اما کسی که عمره مفرده را انجام می‌دهد هنگامی که آن را به پایان می‌رساند، می‌تواند به هر جا که بخواهد برود چنانچه حسین بن علی علیه‌السلام در ذی‌حجه عمره مفرده به جای آورد و سپس در روز ترویبه به سمت عراق رفت در حالی‌که مردم به سوی منا می‌رفتند و کسی که نمی‌خواهد حج به جای آورد جایز است که در ماه ذی‌حجه عمره مفرده انجام دهد»^{۱۲}

از روایت اول استفاده می‌شود که امام هنگام ورود به مکه (سوم شعبان) محرم به احرام عمره مفرده بود و همان زمان عمره را انجام داده است. اما از روایت دوم استفاده می‌شود که حضرت پیش از خروج از مکه روزهای اول ذی‌حجه عمره مفرده انجام داده است و جمع این دو روایت

یعنی انجام دو عمره ظرف چهارماه اقامت امام علیه‌السلام در مکه می‌باشد.

شواهد دیگری هم وجود دارد که امام حسین علیه‌السلام برای حج تمتع محرم نشده بود چون برای احرام به عمره تمتع حضرت باید به یکی از میقات‌های تعیین شده می‌رفتند که در هیچ متن تاریخی و متون روایی این امر گزارش نشده است.^{۱۳}

مسأله دیگر اینکه در فقه حج ثابت شده است که اگر کسی پس از احرام عمره یا حج، مصدود شود یعنی دشمن یا شخصی او را از رفتن مکه یا عرفات منع کند و راه دیگری هم نداشته باشد باید در همان محل که ممنوع شده قربانی کند و از احرام خارج شود. لذا با صرف تغییر نیت نمی‌توان از احرام خارج شد. در صورتی‌که امام علیه‌السلام به این نحو عمل نکردند و هیچ گزارشی از این نوع عمل امام در دست نیست. بنابراین امام علیه‌السلام در سال شصت هجری در ماه شعبان با احرام عمره مفرده وارد مکه شدند و بعد از چهار ماه هنگام خارج شدن به سوی عرفات به دلیل عدم امنیت و آگاهی از نیت شوم حکومت یزید در اوایل ذی‌حجه عمره مفرده دیگری به جای آوردند و از مکه خارج شدند.

امام روز هشتم ذی‌حجه مکه را به عزم عراق ترک کردند. و همه تلاش خیرخواهانی از بنی‌هاشم و بداندیشانی از قریش و بنی‌امیه تلاش کردند که مانع حرکت امام شوند نتوانستند و فرمود:

«هر کس از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند با ما حرکت کند که من فردا صبح حرکت خواهم کرد. ان شاءالله»^{۱۴}

پی نوشت:

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۳ ص ۱۹۳ مجمع الزوابع ج ۹ ص ۲-۳
۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه‌السلام، شماره ۷۴۵ ص ۷۷۳.
۳. همان، بخش دوم، شماره ۷۲۱ ص ۷۶۷.
۴. رك، همان.
۵. همان، شماره ۷۴۷.
۶. همان، شماره ۷۴۷
۷. همان، ص ۷۴۸.
۸. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۵ ص ۳۸۳. الارشاد، ج ۲ ص ۴۷
۹. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱ ص ۲۴۸-۲۴۹.
۱۰. ر. ک. مقتل جامع سیدالشهداء، ج ۱ ص ۶۲-۶۲۱.
۱۱. کلینی، فروع کافی ج ۴ ص ۵۲۵ و شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵ ص ۲۸۱.
۱۲. کلینی فروع کافی، ج ۴ ص ۵۲۵؛ شیخ حرعاملی وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۴۹ باب ۷ ج ۳.
۱۳. رك، مقتل جامع سیدالشهداء ۶۲۳
۱۴. سیدبن طاووس، المهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۶؛ علی بن عیسی اربلی، و کشف الغمه فی معرفة الاممه.

پیام

نشریه پیام حج | شماره اول، محرم ۱۴۴۲ هـ ق | شهریور ۱۳۹۹ هـ ش
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



آیا زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر از حج است؟



در احادیث شعیه در مناسبت های گوناگون زیارت امام حسین (ع) وارد و برای آن ثواب های عظیمی حتی بالاتر از حج و عمره توسط امامان شیعه (ع) بیان شده است. امام موسی صدر (ره) در یک سخنرانی به مناسبت آغاز ماه رجب از منظر قابل توجهی به واکاوی این موضوع پرداخته است.

اگر روزهای زیارتی امام حسین (ع) را بررسی کنیم، می بینیم که روز عرفه هم از روزهای زیارتی آن حضرت است و زیارت در آن روز ثواب فراوانی دارد. می دانیم که روز عرفه روزی است که حج با آن شروع می شود، یعنی بعد از اتمام عمره، حاجی ها به عرفات می روند و حج با آن شروع می شود. حاجی لباس احرام می پوشد و آماده حج می شود، ولی اولین کاری که باید انجام دهد، حتی قبل از نماز، این است که از ظهر تا غروب در عرفات بماند. این اولین عمل و اولین مناسک از مناسک حج است. در این روز، زیارت امام حسین (ع) استحباب دارد و تأکید ویژه ای بر آن شده است. چه تناسبی بین این دو وجود دارد؟

در ایام حج، یعنی در ماه ذی الحجه که مناسک حج شروع می شود، زیارت امام حسین (ع) مستحب است. در ایام مناسک عمره که از اول رجب شروع می شود و در نیمه رجب به اوج خود می رسد، باز زیارت امام حسین (ع) مستحب است. این مسئله سز و علتی دارد و باید آن را پیدا کنیم و بفهمیم.

علت آن ارتباط عمیقی است که بین امام حسین (ع) و حج وجود دارد. این ارتباط از چند لحاظ مورد توجه است: اولاً می دانید که امام حسین (ع) از ماه شعبان تا هفتم

ذی الحجه و هشتم آن، که یوم الترویبه است، در مکه بود و در یوم الترویبه که هشتم ذی الحجه است و همه حاجی ها در مکه جمع می شوند، از مکه خارج شد. چرا؟ علت آن معلوم است. اولاً خود حضرت فرمود که یزید گروه مسلحی را به مکه فرستاده بود. این ها شمشیرهای خود را زیر لباس احرامشان مخفی کرده بودند و مأموریت قتل یا ترور حضرت را در حرم شریف بر عهده داشتند. ولی امام (ع) از ریخته شدن خونس در حرم شریف، هر چند مسبب آن یزید باشد، ابا داشت و نمی خواست **حرمت کعبه** با کشته شدنش در آنجا شکسته شود. او که می توانست با خارج شدن از مکه از بروز این مشکل (ریخته شدن خون در کعبه) در میان مسلمانان جلوگیری کند و چنین کرد و از مسجد الحرام خارج شد تا هتک حرمت کعبه در آینده سنت نشود و روش حاکمان و ظالمان نگردد. وقتی پسر دختر پیامبر (ص) در کعبه کشته می شود، افراد عادی دیگر جای خود دارند.

البته، اشخاص دیگری بودند که در مسجد الحرام کشته شدند، مثل عبدالله بن زبیر، ولی بین مقام امام حسین (ع) و شخصیت عبدالله بن زبیر تفاوت بسیاری بود، به ویژه اینکه اهداف و روش اعتراض و شیوه مبارزه هریک با دیگری متفاوت بود. امام حسین (ع) اولاً، پسر دختر رسول خدا (ص) بود و ثانیاً، امام و راهنمای امت و نیز راوی احادیث رسول خدا (ص) بود. بنابراین، سعی کرد از هتک حرمت کعبه جلوگیری کند. کشته شدن عبدالله بن زبیر در مسجد الحرام هر چند بی حرمتی به آن بود، ولی تبدیل به روش و سنت نمی شد. هیچ کس به سبب کشته شدن عبدالله بن زبیر، آدم کشی در مسجد الحرام را سنت نمی کرد. اما امام حسین (ع) برای حفظ مقام و احترام کعبه از آن خارج شد.

ثانیاً، همان طور که می دانیم، امام حسین (ع) با انقلاب و اعتراض و شهادت خود، اسلام را حفظ کرد. اسلام اموی که آنان می خواستند، اسلام نبود، بلکه وسیله ای بود برای حکومت بر مردم، و الا میان یزید که به اسم اسلام و پیامبر (ص) حکومت می کرد و دیگر حاکمان ظالم فرقی وجود نداشت. امویان اهل نماز که نبودند، به طور دسته جمعی شراب خواری می کردند، خون بی گناهان را می ریختند و به نوامیس مردم دست درازی می کردند. آیا فرقی بین یزید و دیگر حاکمان کافر و غیرمسلمان می بینید؟

پس اسلامی که یزید به کمک آن به کرسی خلافت تکیه زد، **اسلام صوری** است؛ پوسته اسلام است؛ اسلامی است که یزید برای به قدرت رسیدن، بر آن سوار شد و از آن سوء استفاده کرد. این چه اسلامی است که از آن سوء استفاده می شود؟ مسلم است که این اسلام ظاهری است؛ اسلامی که مردم را از شهادت دروغ باز نمی دارد و از هتک نوامیس مردم و هتک حرمت خانه خدا و مباح کردن جان و مال و ناموس مردم مدینه به مدت سه روز و کشتار ده ها و صدها تن از مردم به دست خلیفه جلوگیری نمی کند. این اسلام نیست. این تنها ظاهر اسلام است. اگر ما هم از اسلام دم بزنیم و عمل نکنیم، اسلام ما اسلام صوری است، فقط اسم اسلام است و اگر تعبیر درستی باشد، بت اسلام است.

اسلامی که یزید داشت، اسلام نبود و اگر حسین بن علی (ع) در مقابل انحطاطی که بعد از پیامبر (ص) شروع شد و تا زمان یزید ادامه داشت، سکوت می کرد، این **انحطاط** رفته رفته بیشتر می شد و دیگر اثری از آن باقی نمی ماند. حتی اسم اسلام هم از بین می رفت. امام حسین (ع)، همان طور که بارها و بارها گفته ایم، با شهادت خود افکار عمومی مسلمانان را بیدار کرد و آنان را به حرکت درآورد و در قلب ها و رگ هایشان خونی تازه و سرشار از اخلاص و ایمان و عاطفه تزریق کرد. بدین ترتیب، بعد از شهادتش، انقلاب ها و قیام هایی شکل گرفت و مشکلاتی بر سر راه بنی امیه به وجود آمد تا بالاخره اساس حکومت آنان و اسلامشان به کلی برچیده شد. امام حسین (ع) با شهادت خود اسلام را زنده کرد و به همین سبب است که **پیامبر (ص) می فرماید: «حسینٌ منی وَاَنَا مِنْ حُسَیْنٍ»**. چرا می فرماید من از حسینم؟ برای اینکه اسلام از حسین است و در نتیجه شهادت او اسلام دوباره متولد شد. به همین سبب به امام حسین (ع) می گوئیم: «**ثار الله**»، یعنی خدا خودش خون بهای حسین است. شهادت امام (ع) اسلام را از خطر نابودی نجات داد و درخت رو به خشکی نهاده آن را آبیاری کرد.

در روایات آمده که کعبه قلب اسلام است: «**لا یزال هذا الدِّینُ قائماً ما قامَتِ الکعبَة**» (تا کعبه باقی است، این دین هم باقی است). کعبه قلب اسلام و نشانه اسلام است و اسلام تا وقتی باقی است که کعبه مورد احترام و محل طواف مسلمانان باشد. امام حسین (ع) با شهادت خود

کعبه و اسلام را دوباره زنده کرد و این قلب را از ایستادن باز داشت و لبریز از خیرخواهی و خون و حرکت کرد. پس بین امام حسین (ع) و حج رابطه ای هست. امام حج یزید را ترک کرد تا در کربلا با خودش حج کند. کسانی که قصد ترور امام را داشتند، در زیر لباس هایشان اسلحه حمل می کردند و در حین حرکت میان صفا و مروه و طواف کعبه، به دنبال فرصتی بودند تا امام را به قتل برسانند. امام این حج صوری و یزیدی را رها کرد تا حج حسینی به جای آورد. کشته شد تا حج حقیقی حفظ شود. پس رابطه ای بین کعبه و امام حسین (ع) وجود دارد. به همین سبب، هر زمانی که موسم حج و عمره است، ایام زیارتی امام حسین (ع) هم هست. برای اینکه او بود که این سنت و مناسک را حفظ کرد و حیات را دوباره به اسلام و کعبه بازگرداند.

این مناسبت، یعنی زیارت امام حسین (ع)، ... به این سبب است که تأکید می کند اسلام صوری اسلام یزیدی است و اسلام واقعی اسلامی است که حج آن موجب وحدت مسلمانان و نمازش مانع از فحشا و منکر و روزه اش سپر آتش است، همان طور که در خطبه حضرت زهرا (ع) خوانده ایم. اسلامی که حسین (ع) جلودار آن است، اسلام حقیقی است. یزید به دنبال اسلام واقعی نیست، بلکه اسلام ظاهری را می خواهد تا بر مردم حکومت کند. **اسلام هرگز با ذلت و حقارت و تسلیم در برابر مشکلات و ناامیدی از پیروزی و احساس ضعف در مقابل دشمن، جمع نمی شود، هر چند این دشمن یزید و بزرگ تر از یزید باشد.**

اسلام واقعی اسلام حسین است و، به همین سبب، زیارت با معرفت امام حسین (ع) برای حسینی ها بالاتر از هزاران حجی است که یزیدی ها به جا می آورند. این معنای آن است که می گویند زیارت امام حسین (ع) بالاتر از حج و عرفه است، و الا همه عزت و شرف او از اسلام است و امکان ندارد بالاتر از حج و اسلام باشد، زیرا همه عظمت او از اسلام و از حج است. بله، هزاران حج صوری با زیارت امام حسین (ع) برابری نمی کند، چون حج واقعی و اسلام حقیقی به دست او سیراب شد و رشد کرد و حیات خود را دوباره پیدا کرد.

برگرفته از: امام موسی صدر، سفر شهادت (گفتارهایی درباره واقعه عاشورا)، ص ۴۴-۴۶

پیام



مرور پشت سر نهاد اما صفا دارد حسین

شنیدن فایل صوتی این شعر
با صدای مرحوم استاد شهریار

مرحوم استاد سید محمد حسین شهریار

روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
مرور پشت سر نهاد، اما صفا دارد حسین
بیش ازین ها حرمت کوی منا دارد حسین
اشک و آه عالمی هم در قفا دارد حسین
کس نمی داند عروسی یا عزا دارد حسین
تا به جایی که کفن از بوریا دارد حسین
ورنه این بی حرمتی ها کی روا دارد حسین
چون سحر روشن که سرازتن جدا دارد حسین
می نماید خود که عهده با خدا دارد حسین
خون به دل از کوفیان بی وفا دارد حسین
با کدامین سر کند، مشکل دوتا دارد حسین
هر زمان از ما، یکی صورت نما دارد حسین
عزت و آزادی بین تا کجا دارد حسین
داوری بین با چه قومی بی حیا دارد حسین
دل تماشا کن چه رنگین سینما دارد حسین
گوش کن عالم پراز شور و نوا دارد حسین
با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین
جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین
کاندرین گوشه عزایی بی ریا دارد حسین

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین
از حرم کعبه جدش به اشکی شست دست
می برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم
پیش رو راه دیار نیستی، کافیش نیست
بس که محمل ها رود منزل به منزل با شتاب
رخت و دیباج حرم چون گل به تاراجش برند
بردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب
سروران، پروانگان شمع رخسارش ولی
سر به قاچ زین نهاده، راه پیمای عراق
او وفای عهد را با سر کند سودا ولی
دشمنانش بی امان و دوستانش بی وفا
سیرت آل علی با سرنوشت کربلاست
آب خود با دشمنان تشنه قسمت می کند
دشمنش هم آب می بندد به روی اهل بیت
بعد ازینش صحنه ها و پرده ها اشکست و خون
ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه ای
دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز
شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا
اشک خونین گویا بنشین به چشم شهریار

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
نسبت به حج و عمره تصریح شده است اما این ثواب مشروط به شرایط خاصی
شده است. توجه به این روایت در کنار دیگر روایات، حائز اهمیت است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
مَنْ كَانَ مُغْسِرًا فَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ فَلْيَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ وَ لْيَعْرِفْ عِنْدَهُ - فَذَلِكَ
يُجْزِيهِ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ يُجْزِي ذَلِكَ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ إِلَّا لِلْمُغْسِرِ
فَأَمَّا الْمُوسِرُ إِذَا كَانَ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَأَزَادَ أَنْ يَتَنَمَّلَ بِالْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ - وَ مَنَعَهُ
مِنْ ذَلِكَ شُغْلٌ دُنْيَا أَوْ عَائِقٌ فَأَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمٍ عَرَفَةَ أجزءاً ذَلِكَ عَنْ آدَاءِ
الْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ وَ ضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً
قَالَ فَلَنْتَ كَمْ تَعْدِلُ حَجَّةً وَ كَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً، قَالَ لَا يُخْصِي ذَلِكَ، قَالَ فَلَنْتَ مَائَةً،
قَالَ وَ مَنْ يُخْصِي ذَلِكَ، فَلَنْتَ أَلْفَ أَلْفًا، قَالَ وَ أَكْثَرْتُمْ قَالَ وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا
تُخْضَوْنَهَا إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

کسی که تنگدست است و حج برایش میسر نمی شود، روز عرفه را کنار قبر امام
حسین علیه السلام گذراند که آن از برای او جایگزین حج است (ثواب حج را دارد) و
نمی گویم که جایگزین حج است مگر برای کسی که تنگدست باشد، اما کسی که
تمکن دارد و توانگر است؛ هرگاه حج واجب را بجا آورد و بخواهد که حج یا عمره
مستحبی به جا آورد، لکن مشغله دنیوی یا عامل دیگری او را مانع شد؛ در روز عرفه
کنار قبر امام حسین علیه السلام برود، که او را جایگزین است از آداء کردن حج و عمره، و
حق تعالی ثواب او را چندین برابر کند.

راوی پرسید: ثوابش چند برابر حج و عمره است؟
فرمود: ثوابش را نمی توان شمرد.
پرسید: صد برابر؟
فرمود: چه کسی می تواند شمارش کند؟
پرسید: هزار برابر؟
فرمود: بیشتر
سپس فرمود:
و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا کنید. (سوره نحل
آیه ۱۸) همانا خداوند وسعت بخش داناست. (سوره بقره، آیه ۱۱۵)

کامل الزیارات ابن قولویه، جعفر بن محمد، ص ۱۷۳



پیام

معرفی خطبهٔ امام حسین

خطبهٔ منا یکی از خطبه‌های مهم و تاریخی حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام است که آن حضرت در سال ۵۸ هجری و دو سال قبل از مرگ معاویه و در اوج بحران اختناق و ظلم و فشار دستگاه حاکم اموی بر امت اسلامی، ایراد فرموده‌اند.

گرچه این خطبهٔ شریفه را در بیشتر جوامع روایی به صورت یک حدیث متصل آورده‌اند، ولی با توجه به وجود مطالب مختلف و ابعاد گوناگون و نقل صاحب تحف‌العقول و استظهار بزرگان می‌توان آن را به سه بخش مستقل تقسیم کرد:

بخش اول: فضایل امیر مؤمنان و خاندان عصمت؛:

بخش دوم: دعوت عام به امر به معروف و نهی از منکر و ذکر اهمیت این وظیفه بزرگ اسلامی؛

بخش سوم: بیان وظیفهٔ علما و ضرورت قیام در مقابل ستمگران و فساد و آثار زاینبار سکوت و سهل‌انگاری در انجام وظیفه.

بیان نکاتی پیرامون خطبه

گسترهٔ خطبه

امام حسین علیه السلام در این خطبهٔ شریفه، جوانب مختلف اجتماعی، مذهبی دوران پس از شهادت امیرمؤمنان و زمینه‌های تسلط معاویه بر جامعهٔ اسلامی و بر سرنوشت مسلمین را مطرح کرده و به خطراتی که آیندهٔ اسلام را تهدید می‌کرد، اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که اگر مسلمانان قیام نکنند و سران قوم و خواص جامعه به مسئولیت‌های خود توجه نکنند، چراغ پرفروغ رسالت بی‌فروغ خواهد شد و مشعل فروزان نبوت به خاموشی خواهد گرایید.

متن خطبه

خطبهٔ منا در سه قطعه و از هم جدا در کتب حدیثی نقل گردیده است. بخش اول آن در کتاب سلیم بن قیس هلالی و بخش دوم و سوم آن در کتاب تحف‌العقول ابن شعبه حرّانی آمده است. لیکن با توجه به کیفیت خطاب و به‌کارگیری واژه‌ها و کلمات و تناسب آن‌ها با موقعیت سخنرانی منا و حکایت صدور آن از معصوم، واحد دانستن و عمل به آن تأثیر چندانی نخواهد داشت. امام خمینی رحمته الله علیه در بحث ولایت فقیه، دو قطعه را از یک خطبه واحد امام حسین علیه السلام در منا شمرده‌اند.

شنوندگان خطبه

از نکات مهم در کیفیت ایراد خطبهٔ شریفه در نظر گرفتن شرکت‌کنندگان در آن مجلس مهم است که حضور دویست نفر صحابی و بیش از هشتصد نفر از تابعین و فرزندان صحابه، نشان از حضور شخصیت‌های زبده و برجستهٔ اسلامی و نخبگان بنی‌هاشم و مهاجرین و انصار دارد. نکتهٔ دیگر آنکه بنابر تصریح سلیم بن قیس، امام حسین علیه السلام بانوان بنی‌هاشم و همسران بعضی از صحابه و تابعین را به مجلس فراخوانده بود.

زمان خطبه

ایام تشریق پس از طی یک دوران عبادت و ریاضت و ارتباط با خداوند و همچنین پس از انجام اعمال (عمره) و گذشتن از منزل (عرفات) و بیتوته نمودن در بیابان (مشعر) و انجام دادن مراسم قربانی و رسیدن به یک دوران روحی و معنوی برای دریافت پیام حیات‌بخش و فرمان بلند ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله این خطبه ایراد شد.

مکان خطبه

مکان ایراد خطبه، «منا» است، این مکان حساس‌ترین نقطه در جوار بیت الهی، وادی عشق ابراهیم بنیانگذار توحید و قربانگاه اسماعیل الگوی فداکاری و از جان گذشتگی می‌باشد. مکان کنار گذشتن همهٔ تعینات است. در این مکان باید جز خدا را به دست فراموشی سپرد و با تمرین رجم شیاطین برای مبارزه با طاغوت‌ها آماده گردید.

در اینجا با انجام مراسم قربانی، فدا شدن در راه خدا و گذشتن از سر و جان را در راه ایمان و اسلام تمرین می‌کنند.

خطبهٔ منا یا اعلان قیام علیه بنی امیه

تاریخ ایراد این خطبه نشانگر این است که امام حسین علیه السلام از زمان معاویه در انتظار فرصت مناسب برای انقلاب و قیام علیه خاندان اموی و سرنگون ساختن این حکومت غیرمشروع و طاغوتی و جایگزین ساختن یک حکومت صالح و سپردن سرنوشت اسلام و مسلمین به دست رهبری عادل و امامت برحق بود. در این خطبهٔ شریفه، علاوه بر تصریح به این موضوع از همهٔ مسلمانان درخواست شده است که در این قیام به آن حضرت لبیک بگویند.

امام حسین علیه السلام در زمان معاویه، قیام مسلحانه را به نفع اسلام نمی‌دانست و اوضاع را چنان می‌دید که دستگاه عظیم تبلیغاتی معاویه از هر حرکت و قیام به نفع خود و در تحکیم خلافت بنی‌امیه بهره‌برداری خواهد کرد ولیکن حتی در این شرایط نیز سکوت را جایز نمی‌دانست؛ بنابراین از یک‌سو جنایات بنی‌امیه را افشا و مسلمانان را از اوضاع جاری و خطرات آینده آگاه می‌نمود و از طرف دیگر، خود را برای قیام در زمان مناسب آماده می‌ساخت و بنابر مضمون این خطبه باید همان محفل و انجمن (منا) را اولین مجلس اعلان قیام از سوی حضرت حسین بن علی علیه السلام بر ضد بنی‌امیه دانست و به طور کلی، در عین اینکه می‌توان مسائل دیگری را هم در حرکت آن حضرت به عنوان عامل جنبی و انگیزه ظاهری به شمار آورد، اما علت تامهٔ قیام آن حضرت را متن و محتوای این خطبه و نقطه و تاریخ آغاز قیام را تاریخ ایراد خطبه معرفی کرد که وجود و عدم سایر انگیزه‌ها نمی‌توانست در اصل قیام مؤثر واقع شود و یا مانع ایفای این وظیفه گردد.

خطبه منا، یا مراسم برائت از مشرکین

برائت از مشرکین و اظهار تنفر از دشمنان اسلام با مناسک حج ارتباط مستقیم دارد و اگر لازم است در اجتماع بزرگ حج و کنگرهٔ جهانی اسلام مسلمانان را از خطر دشمنان آگاه و با اعلان برائت و بیزاری از طواغیت و شیاطین، قدرت اسلام را به نمایش گذاشت و پیروان قرآن را به عظمت نیروی خویش و برای هر نوع دفاع و مقابله متوجه و آماده ساخت. پس باید از اجتماع منا و از خطبهٔ آنتشین آن حضرت، به عنوان دومین مراسم رسمی برائت از مشرکین یاد کرد؛ چرا که برای نخستین بار این مراسم توسط حضرت امیرالمومنین علیه السلام و به فرمان خدا و رسولش صلی الله علیه و آله در مکه برگزار شد و ندای حضرتش با قرائت «براءة من الله و رسوله» در مکه طنین افکند و برای دومین بار هم در منا و در آن انجمن بی‌نظیر از سوی امام حسین علیه السلام با افشای خط انحرافی حاکم و نفی سلطهٔ نفاق روز که اسلام را شدیدتر از شرک دوران حضرت رسول صلی الله علیه و آله تهدید می‌کرد تحقق یافت.

انحراف از حق و خروج از مسیر صحیح و اصیل ولایت

اولین مطلبی که حضرت امام حسین علیه السلام در این خطبه فرموده‌اند، مسأله انحراف از حق و خروج از مسیر صحیح و اصیل ولایت و به فراموشی سپرده شدن وصایای رسول خدا^۹ در این موضوع مهم و اساسی است؛ چرا که وجود مقدسش از اولین روزهای بعثت در حدیث عشیره موضوع ولایت و امامت را مطرح ساخت و با بیانات و تعبیرات گوناگون، مانند حدیث سدِّ أبواب و ولایت و غیره در طول بیست‌وسه سال دوران نبوتش، امیر مؤمنان علیه السلام را معرفی نمود تا اینکه در آخرین روزهای زندگی خود این مسأله مهم و حساس و حیاتی را با صراحت هرچه بیشتر در میان مسجد و بر بالای منبر مطرح گردانید تا دیگر برای کسی جای تردید و راهی برای تأویل باقی نماند و بعض حضار مجلس

«منا» خود شاهد و ناظر این معرفی‌ها بودند و لذا پاسخ آنان به حضرت ثار الله سلام الله علیه پس از بیان هریک از این معرفی‌ها این بود که: «اللهم نعم». ولی هر چه بود و به هر دلیلی بود این انحراف به وجود آمد و با گذشت زمان تشدید شد.

تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین علیه السلام در بخش دوم از این کلمهٔ نورانی و خطبه جاودانی، مهاجران و انصار را به طور خاص و همهٔ مسلمانان را در طول تاریخ به طور عام، مورد خطاب قرار داده و مسامحه آنها را در امر به معروف و نهی از منکر که اساس نظام اجتماعی اسلام بر آن استوار است ملامت و نکوهش نموده است و به عنوان یکی از علل به وجود آمدن ظلم‌های اجتماعی و مسلط شدن ظالمان و ستمگران بر سرنوشت مسلمین معرفی کرده است.

خطبهٔ منا و تأکید بر نشر آن

آخرین نکته، تأکید آن جناب بر لزوم نشر مطالب این خطبه نورانی در جهان اسلام است؛ زیرا آن حضرت به شنوندگان توصیه و تأکید فرمود که آن خطبه را بنویسند و پس از مراجعت به اوطان خویش با مسلمانان متعهد و مورد اعتماد در میان گذارند تا به وظیفه خویش نسبت به رویدادهای آینده آشنا و بر دفاع از موضع به حق اسلام آماده شوند.

فرازهایی از خطبهٔ امام حسین علیه السلام در منا

*** أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحق الله و إن كنتم عن أكثره تقصرون فاستخفتم بحق الأئمة، فأما حق الضعفاء فضيغتم، و أما حقكم بزعمكم فظلمتم فلا مالا بذلتوه، و لانفسا خاطرتهم بها لذى خلقها، و لا عشيرة عاد يتموها فى ذات الله.**

آیا شما به این احترامات و قدرت‌های معنوی از این جهت نایل نگشته‌اید که به شما امید می‌رود تا به اقامهٔ حق خدا کمر ببندید؟ اگرچه در مورد اکثر حقوق الهی کوتاهی کرده‌اید! و بنابراین حق ائمه خود را نیز خوار شمرده و خفیف کرده‌اید و بنابراین حق افراد ناتوان جامعه را ضایع کرده‌اید، اما در همان حال به دنبال آنچه حق خویش می‌پندارید برخاسته‌اید پس نه مالی خرج کرده‌اید و نه جانی را در راه آن خدایی که آن را عنایت کرده به خطر انداخته‌اید و نه با قبیله و گروهی به خاطر خدا درافتاده‌اید.

*** و قد تزون عهدو الله منقوضه فلا تفزعون و أنتم لبعض ذمم آبائكم تفزعون و ذمه رسول الله مخفورة محفورة و العمى و البكم و الزمنى فى المدائن مهمله لا ترحمون و لا فى منزلكم تعملون، و لا من عمل فيها تعينون و بالادهان و الفصانعة عند الظلمة تأمنون، كل ذلك مما أمركم الله به من النهى و التناهى و أنتم عنه غافلون.**

و نیز به چشم خود می‌بینید تعهدات الهی (قراردادهای اجتماعی که نظامات و مناسبات جامعهٔ اسلامی را می‌سازد) نقض و گسسته شده و زیر پا نهاده شده است؛ اما شما نگران نمی‌شوید و فریاد بر نمی‌آورید، در حالی‌که به خاطر پاره‌ای از تعهدات پدرانتان، آشفته می‌شوید و اینک تعهداتی که در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله انجام گرفته (یعنی مناسبات اسلامی که از طریق بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعهد شده همچنین تعهد اطاعت و پیروی از جانشینش علی و اولادش که در «غدیر خم» در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله انجام گرفته) مورد بی‌اعتنایی است.

می‌بینید که نابینایان، اشخاص کر و لال، و افراد ناتوان و

برگرفته از کتاب «خطبه‌های منا»

حجت الاسلام والمسلمین اصغر محمدی

زمین‌گیران در همهٔ شهرها بی‌سرپرست مانده‌اند و بر آن‌ها ترحم نمی‌شود. نه خودتان مطابق شأنتان عمل می‌کنید و نه به کسی که بدین سان عمل کند و در ارتقای شأن شما بکوشد مدد می‌رسانید. با چرب‌زبانی و چاپلوسی و سازش با ستمکاران، خود را در برابر قدرت‌ستمداران حاکم ایمن می‌گردانید. تمام اینها دستورهای خداوند است که شما یا خودتان از آن نهی شده‌اید و نباید انجام دهید و یا اینکه دیگران را باید از آن نهی کنید و از آنها کاملاً غافل هستید.

***سلطهم علي ذلك فراؤكم من الموت و إعجابكم بالحياة التي هي مفارقتكم فأسلمتم الضعفاء في أيديهم؛ فمن بين مُستعبدٍ مَقهور، و بين مستضعف علي معيشته مغلوب، يتقلبون في الفلك بأرائهم، و يستشعرون الخزي بأهوانهم اقتداءً بالأشرار و جرأةً علي الجبار.**

علت تسلط آنان بر حکومت، فرار شما از کشته‌شدن بود و دلبستگی‌تان به زندگی گریزان دنیا و شما با این روحیه و رویه، توده ناتوان را به چنگال این ستمگران سپردید تا یکی برده‌وار سرکوفته باشد و دیگری بیچاره‌وار و ناتوان از تأمین آب و نان‌ش، و حکام، خودسرانه و با افکار و آرای خود در سلطنت غوطه خورند و با هوسبازی خویش، ننگ و رسوایی به بار آورند؛ چراکه پیرو اشرار و در برابر خدا گستاخ هستند.

*** فيا عجباً و مالی لأعجب و الأرض من غاشي غشوم، و متصدق ظلوم، و عامل على المؤمنین بهم غير رحيم، فإله الحاكم فيما فيه تنازعا، و القاضى بحكمه فيما شجر بيننا. شگفتا! و چرا شگفت زده نباشم! درحالی‌که جامعه در تصرف مردی است که خودش (معاویه) دغل‌باز ستمکار است و مأمور مالیاتش ستمگر و استاندارش نسبت به اهالی و مؤمنان نامهربان و بی‌رحم است.**

فقط خداست که در مورد آنچه درباره‌اش به کشمکش برخاسته‌ایم حکومت و داوری خواهد نمود و درباره مشاجره بین ما با رأی خویش حکم قاطع خواهد کرد.

***اللهم إناك تعلم أنه لم يكن ما كان منا تنافساً فى سلطان، و لا التماساً من فضول الحطام، ولكن لئرى المعاليم من دينك، و نظهر الإصلاح فى بلادك، و يأمن المظلومون من عبادك، و يعمل بفرائضك و سنتك و أحكامك، فإنكم إن لا تمثرونا و تنصفونا قويت الظلمة عليكم، و عملوا فى إطفاء نور نبیكم، و حسبنا الله و عليه توكلنا و إليه أنبنا و إليه المصير.**

بارخدايا! بی‌شک تو می‌دانی آنچه از ما سرزده (یعنی مبارزه برضد دستگاه حاکمه اموی) نه رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی است و نه جستجوی ثروت بی‌ارزش دنیا، بلکه برای آن است تا علامت‌ها و ارزش‌های درخشان دین تو را بنماییم و در کشورت اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستمزدهات را ایمن و برخوردار از حقوق مسلمشان گردانیم، و نیز تا به وظایفی که مقرر داشته‌ای و به فرهنگ و احکامات عمل شود. بنابراین شما علمای دین و خواص جامعه اگر ما را یاری نکنید و منصفانه در گرفتن داد ما با ما هم‌صدا نگردید، ستمگران در مقابل شما قدرت پیدا خواهند کرد و در خاموش کردن مشعل فروزان پیغمبرتان گستاخ خواهند شد. خدای یگانه ما را کفایت است. براو تکیه کردیم و به سوی او روی آوردیم و سرنوشت ما به دست او و بازگشت ما به سوی اوست.

نشریهٔ پیام حج | شمارهٔ اول، محرم ۱۴۴۲ ه‍.ق | شهریور ۱۳۹۹ ه‍.ش

مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی حوزهٔ نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



خاطراتی از سفر حج سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی

محمود خالقی که از سال ۱۳۶۴ هم‌رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بوده است در برنامه «مسافر بهشت» رادیو معارف به بیان خاطراتی از نحوه آشنایی با سردار در سفر حج سال ۱۳۷۱ پرداخت.

در سال ۷۱ به حج مشرف شدیم، من و سردار مسئولیتی در بعثه مقام رهبری داشتیم البته کاروان‌های ما مستقل بود؛ کاروان حاج قاسم به مسجدالنبی نزدیک تر بود و من شب‌ها به محل استقرار کاروان ایشان می‌رفتم.

آن زمان درهای مسجدالنبی از ۱۱ شب تا یک ساعت قبل از اذان صبح بسته می‌شد، زائران از دو ساعت قبل از اذان پشت درهای بسته می‌ایستادند تا به محض بازگشایی به سرعت وارد شوند؛ من و حاج قاسم جزء اولین نفرها بودیم که می‌ایستادیم و به محض آنکه درها باز می‌شد به سرعت داخل می‌شدیم و هدف مان این بود که به بخش روضه مسجد برویم و نماز شب را بخوانیم.

روزها هم مشغول کار می‌شدیم، در مکه هم مشغول امور بودیم. حاج قاسم معمولاً روز عرفه را با نذر قصد روزه می‌کرد و آن زمان که عرفه در فصل گرمای عربستان بود، روزه دار بود یکی دو باری که غار حرا مشرف شدیم از سکوت و خلوتی آنجا بسیار خوشش آمد. در مکه عقد اخوت بستیم.

احادیثی از امام حسین علیه السلام

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا.

معبودی جز تو نیست، پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه کهن و خانه آزادی (کعبه) که برکت را بدان نازل کردی و آن را برای مردمان خانه امنی قرار دادی.

فرازی از دعای عرفه سیدالشهدا (علیه السلام)

وَقَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مِنْ شِيعَتِكَ قَالَ إِنْ تَقَى اللَّهَ وَلَا تَدْعِيَنَّ سَيِّئًا يَقُولُ اللَّهُ لَكَ كَذَبْتَ وَفَجَزْتَ فِي دَعْوَاكَ إِنْ شِيعَتَنَا مِنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَيْشٍ وَدَعَلٍ وَلَكِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مَوَالِيكُمْ وَمُجَبِّكُمْ.

شخصی نزد حسین بن علی (علیه السلام) آمد و گفت: یا ابن رسول الله! من از شیعیان شما هستم. حضرت فرمود: از خداوند بترس و مدعی مقامی نباش که خداوند تو را تکذیب کند و در ادعایت رسوا گردی؛ شیعیان ما کسانی هستند که دل‌های آن‌ها از هر حيله و فریبی سالم باشد؛ لکن شما بگو من از دوستان شما می‌باشم (نه شیعیان شما).

تنبيه الخواطر و نزهة الناظر (مجموعه ورام)، جلد ۲، صفحه ۱۰۶

كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِظَنِي بِحَرْفَيْنِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتٌ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعُ لِمَجِيءِ مَا يَخْذَرُ.

مردی به امام حسین (علیه السلام) نوشت: مرا با دو حرف اندرز ده. حضرت در پاسخ نوشت:

هرکه کاری را با نافرمانی خدا بخواهد، آنچه امید دارد زودتر از دستش برود و آنچه حذر کند زودتر به سراغش آید.

الکافی، جلد ۲، صفحه ۳۷۳

مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ.

هر که تو را دوست داشته باشد (از کار ناپسند) بازت می‌دارد و هر که با تو دشمن باشد فریبیت می‌دهد (و تشویقت می‌کند).

نزهة الناظر و تنبيه خاطر، جلد ۱، صفحه ۸۸

فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ عَدَاً، وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالصَّنِيعَةِ إِلَيَّ أَخِيهِ كَأَفَاهُ بِهَا فِي كُلِّ وَقْتٍ حَاجَةً وَصَرَفَ عَنْهُ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهَا، وَمَنْ نَفَسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ أَحْسَنَ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

هرکس برای رضای خدا به برادر دینی اش خدمت کند، خداوند در هنگام نیازش او را عوض خواهد داد و از گرفتاری‌های دنیا، بیشتر از خدمت وی از او رفع خواهد کرد و هرکس غمی را از دل مؤمنی بزدايد، خداوند غصه‌های دنیا و آخرتش را بر طرف می‌کند و هرکه نیکی کند، خداوند به او نیکی می‌کند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

نزهة الناظر و تنبيه خاطر، جلد ۱، صفحه ۸۱



روایتی جالب توجه از

طواف و اطعام امام حسین علیه السلام

زمخشری در کتاب «ربیع الأبرار و فصوص الاخبار» آورده است که:

... الحسين بن علي عليهما السلام يطوف بالبیت، ثم صار إلى المقام فصلى، ثم وضع خده على المقام فجعل يبكي ويقول: عبيدك بيابك، سائلك بيابك، مسكينك بيابك، يردد ذلك مرارا، ثم انصرف، فمر بمساكين معهم فلق خبز يأكلون، فسلم عليهم، فدعوه إلى طعامهم، فجلس معهم وقال: لو لا أنه صدقة لأكلت معكم، ثم قال: قوموا إلى منزلي، فأطعمهم و كساهم، ثم أمر لهم بدرهم.

حسین بن علی علیه السلام را مشاهده کردند؛ در حالی که مشغول طواف خانه خدا بود. آنگاه به طرف مقام ابراهیم آمد و نماز به جا آورد. سپس صورتش را بر مقام گذارده و شروع به گریه کرد و عرض نمود:

«بندۀ کوچکت به در خانۀ توست، خادم کوچکت به در خانۀ توست، سائلی به در خانۀ توست، محتاجی به در خانۀ توست.»

این جملات را مکرر تکرار می نمود.

آنگاه بیرون آمد و گذرش به مساکینی افتاد که مشغول خوردن تکه هایی از نان بودند.

حضرت بر آنان سلام کرد.

آنان امام علیه السلام را به غذایشان دعوت کردند.

حضرت نزد آنان نشست و فرمود:

اگر این ها صدقه نبود، من با شما تناول می کردم.

آنگاه فرمود:

برخیزید و به سوی منزل من آبیید.

حضرت از غذا و لباس آن ها را بهره مند کرد و امر فرمود تا مبالغی به آن ها پرداخت شود.

«ربیع الأبرار و نصوص الاخبار»، جلد ۲، صفحه ۳۰۵

معرفی کتاب

برپا شده است در دل من خیمه غمی
جانم چه نوحه و چه عزا و چه ماتمی

عمری است دلخوشم به همین غم که در جهان
غیر از غمت نداشته ام یار و همدمی

بر سیل اشک خانه بنا کرده ام ولی
این بیت سست را نفروشم به عالی

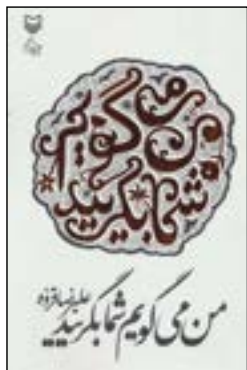
گفتی شکار آتش دوزخ نمی شود
چشمی که در عزای توبل ترکندنی

دستی به زلف دستۀ زنجیرزن بکش
آشفته ام میان صفوف منظمی

می خوانی ام به حکم روایات روشنی
می خواهی ام مطابق آیات محکمی

ذی الحجه اش درست به پایان نمی رسد
تقویم اگر نداشته باشد محرمی

سعید بیابانکی



من می گویم شما بگریید

علیرضا قزوین

«من می گویم شما بگریید» مجموعه مرثیاتی عاشورایی به انتخاب شاعر آیینی معاصر، علیرضا قزوین است. در مقدمه کتاب می خوانیم:

«این سال های آخر، شعرهایی اینجا و آنجا از برخی مداحان آشنا و ناشنا می شنوم که بیش از آنکه دل را بارانی کند، داعیه خودنمایی دارد، حال آنکه اصل در کربلا گم شدن است و به اصل خویش رسیدن. همین انگیزه ای شد تا این اشعار را در دفتری فراهم آورم و هدیه اش کنم به مداحان سوخته دل آل الله، به خصوص آنان که به لحن عاشورا تکلم می کنند و حنجره شان وقف مظلومیت حسین علیه السلام و یاران است. می توانستم به جای این شعرها اشعاری انتخاب کنم که زرق و برق الفاظش امروزی تر باشد، اما فرمان از دل گرفتم و حکایت چنین شد که می بینید. تلاش شده است تا در شعرهای این دفتر ضعف های دستوری و زبانی و به خصوص محتوایی کمتر به چشم بیاید.»



آیات قرآنی در کلام و نهضت حسینی

حمید مروجی طبسی

این کتاب به شرح و توضیح آیاتی می پردازد که حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مدینه تا شام در مکتوبات و سخنرانی ها، مورد استفاده قرار داده اند.

کتاب در ۱۵۲ صفحه در چهار فصل تدوین شده و موضوع اصلی آن آیاتی است که امام حسین علیه السلام از مدینه تا شام آن ها را یا تلاوت کرده اند و یا در مکاتباتشان مورد استناد قرار داده اند. هر یک از آیات استفاده شده در این کتاب در سه بخش ارایه شده است: متن آیه و ترجمه و شأن تلاوت و بخش تفسیر که خلاصه شده از چهار تفسیر المیزان، تسنیم، نمونه و نور می باشد.



حماسه و عرفان

آیت الله جوادی آملی

موضوع کتاب درباره عرفان، حماسه و ارتباط بین این دو مقوله است. اصل مطالب کتاب، برگرفته از سخنرانی های آیت الله جوادی آملی است که در محرم سال ۱۴۱۱ق (۱۳۶۸ش) انجام شده است. این عالم بزرگوار در مقدمه کتاب نگاشته اند:

«نقش حماسه و تأثیر ستم ستیزی در تعالی روح بشر، زمینه اشتیاق عرفان ناب را به شهادت فراهم کرده آشنا می سازد و این، همان هماهنگی حماسه و عرفان است.»

و در جای دیگر مقدمه چنین آورده اند:

جهاد حقیقی بدون عرفان ناب نخواهد بود؛ چنانکه عرفان خالص بدون ایثار مال و جاه و نثار جان حاصل نخواهد شد. در وصف مجاهدان راستین، نشانه های عرفان مشهور است و در رسم عرفان واقعی، علامت های مجاهدت مشهود.



سخنان حسین بن علی علیه السلام از

مدینه تا کربلا

آیت الله محمدصادق نجمی

در این کتاب نگارنده کوشیده است متن سخنان امام حسین علیه السلام را از آغاز حرکت از مدینه تا هنگام شهادت، به ترتیبی که آن حضرت در مناسبت های مختلف ایراد کرده، برگرفته از منابع مختلف، ثبت نماید. علاوه بر متن اصلی سخنان امام حسین علیه السلام، توضیح لغات، ترجمه و شرح متن نیز آمده است. بیان دقیق فرمایشات حضرت از مدینه تا کربلا و بررسی برخی از موارد مبهم تاریخی از جمله امتیارات این کتاب می باشد. این کتاب در چهار بخش مدینه تا کربلا، مکه تا کربلا، سخنان امام علیه السلام در کربلا و خطبه حسین بن علی علیه السلام در منا تدوین شده است.



پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

این کتاب به قلم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در ۴۸۳ صفحه نگاشته شده است. کتاب، متضمن مطالبی از فضایل حضرت سیدالشهدا علیه السلام و تاریخ اسلام در آن زمان و نیز پاره ای از علل و نتایج واقعه کربلاست که به صورت تحقیقی و تحلیلی به رشته تحریر درآمده است. از ویژگی های مهم کتاب، قلم ساده آن است که علی رغم انتقال مطالب علمی و تحلیلی، مخاطب را از هر طبقه فکری و سطح سواد که برخوردار باشد، با اندک مایه علمی، بهره مند می سازد. استفاده فراوان از منابع عامه و اهل سنت و نیز پاسخ به برخی از مهم ترین شبهات درباره قیام امام حسین علیه السلام نیز از دیگر ویژگی های این کتاب است. کتاب در چهار بخش سامان یافته است: شخصیت و فضایل حسین علیه السلام، بنی هاشم و بنی امیه، علل قیام حسین علیه السلام و نتایج و فواید قیام حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام.



آفتاب در مصاف

مقام معظم رهبری علیه السلام

کتاب «آفتاب در مصاف» اثری برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که از سوی دفتر حفظ و نشر آثار معظم له انتشار یافته است. این کتاب در ۱۰۴ صفحه شامل مجموعه تمام گفتارها و مطالب رهبر انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ درباره وجود مقدس امام حسین علیه السلام و تحلیل وقایع قبل و بعد از عاشورای سال ۶۱ هجری قمری است که به روش ترتیب تاریخی از قدیم به جدید تدوین شده است. البته صفحات فشرده ای به همراه کتاب قرار دارد و به صورت مکتوب نیست.

بهره گیری از فهرست تفصیلی و موضوعی، نمایه لفظی، نمایه آیات، نمایه روایات، نمایه کلمات بزرگان و کتابنامه جامع و همچنین ارائه مستندات کتاب در قالب لوح فشرده به همراه کتاب از ویژگی های بارز و منحصر به فرد این مجموعه است.